

نوروز همدانی^۱

دکتر علیرضا قبادی^۲

چکیده

جشن‌ها از جمله نکات بسیار مهمی هستند که با بررسی آنها پژوهشگران به چگونگی قوام و دوام جوامع پی می‌برند. لذا بدین منظور نوروز همدان مورد مطالعه میدانی قرار گرفته و آداب و رسوم مربوط به این عید در یکی از استان‌های ایران پهناور تحت عنوان همدان مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه به شیوه میدانی و با دیدگاه نظری ساخت-کارکردگرایی و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه و بررسی اسناد انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: نوروز، جشن، آداب و رسوم، همبستگی فرهنگی - اجتماعی

۱. نوروز در همدان

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا a_ghobadi@basu.ac.ir

مقدمه

زمان از جمله مفاهیمی است که انسان با بکارگیری ذهن خود آن را ساخته و پرداخته است. ارتباط انسان با طبیعت و ضرورت هماهنگی با شرایط و تغییرات محیط طبیعی و اجتماعی، موجب آشنایی انسان با مفهوم زمان شده است. از این رو وی با توجه به مفهوم زمان برای فعالیت‌های خود آغاز و انجامی در نظر گرفته و حوادث و رخداد‌های گوناگون زندگی خود را در قالب زمان ضبط کرده است. مفاهیمی چون روز، ماه، سال و فصل از جمله تعاریفی است که بر اثر توجه آدمی به مفهوم زمان حاصل شده است.

فیلسوفان، ستاره شناسان، جغرافی دانان و تاریخ نگاران از جمله کسانی هستند که درباره گاه شماری و تقویم و تاریخ اطلاعاتی در اختیار ما قرار می‌دهند^۱ (قربانی ۱۳۵۴: ۲۳۸-۲۳۳) اما ماهیت اصلی فیلسوفان و منجمان با منظور ما از زمان که بعد فرهنگی دارد، همسو نیست. ما از زمان به عنوان پدیده‌ای یاد می‌کنیم که ساخته ذهن بشر است و پدیدار شدن آن در زندگی بشر موجب بروز و ثبت وقایع فرهنگی و اجتماعی انسان در قالب زمان شده است.

مسعودی درباره زمان و تاریخ می‌نویسد: "همه اقوام از خلف تا سلف از طرفداران شریعت و غیره تاریخی دارند که در بیشتر کارهای خود بدان مراجعه و اعتماد می‌کنند و خلف از سلف باقیمانده از گذشته آن را نقل می‌کنند و به کمک آن حوادث بزرگ و اتفاقات مهمی را که به روزگاران سلف مربوط بوده می‌شناخته‌اند. اگر ثبت و ضبط و دقت تاریخ نبود، آثار نمی‌ماند و نسبت‌ها فراموش می‌شد." (مسعودی، ۱۳۶۱: ۷۷) همانطور که می‌بینیم ظرف زمان برای تشخیص مسیر گذشته زندگی یک قوم به عنوان ابزاری مهم در نزد مسعودی شناخته شده است.

۱. بوعلی سینا، اخوان الصفا نمایندگان فلسفه، مسعودی نماینده تاریخ نگاران، بیرونی نماینده منجمان و مقدس نماینده جغرافی نگارانی هستند که هر یک بنا به تخصص خود درباره زمان سخن گفته‌اند.

بیرونی نیز می‌نویسد: "تاریخ مدت معینی است که از آغاز سال شروع می‌گردد که در آن سال پیغمبری مبعوث شده یا پادشاه بزرگی قیام کرده یا امتی به طوفان و زلزله هلاک گشته یا (در) مملکتی خسوف شده یا وبا و قحطی شدیدی اتفاق افتاده یا انتقال دولتی و تبدیل ملتی و یا حادثه عظیمی از آیات سماوی و علامات مشهور ارضی که جز در ازمنه دراز حاصل نمی‌شود، روی داده و به یاری تواریخ اوقات محدود و معینی شناخته می‌شود و در همه حالات دینی و دنیوی از تاریخ گریزی نیست." (بیرونی، ۱۹:۱۳۶۳)

به هر جهت زمان ظرفی است که وقایع طبیعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن رخ می‌دهد و ثبت و ضبط می‌شود و برای زندگی انسان مبدأ و آغازی می‌سازد که تفسیر و تعبیر مفاهیم فرهنگی را معنی می‌بخشد؛ از این حیث زمان رنگ و بوی فرهنگی می‌گیرد. زیرا با فرا رسیدن موقع خاصی از آن، جامعه به تلاش، پرداخت مالیات، عزاداری، تحصیل علم، سفر، عبادت و برگزاری جشن‌ها و غیره می‌پردازد و به تناسب هر یک از آنها اعمال و فعالیت خاصی انجام می‌دهد که فرهنگ نامیده می‌شود. یعنی زمان هم فرهنگی می‌شود و هم فرهنگ ساز.

نوروز بزرگترین جشن ملی ایرانیان است. "جشن رستاخیز طبیعت و تجدید زندگی. جشن حرکت و جنبش و تکاپو و کار، جشن طبیعت. عید نوروز و گرمی بودن آن نزد ایرانیان، بسیار قدیم و کهن می‌باشد. زیرا ایرانیان آغاز هر ماه و سال را مقدس می‌داشتند و به مناسبت هر آغاز مراسم دینی برگزار می‌کردند." (رضی، ۲۲۷:۱۳۸۰)

این نوشته در پی توصیف یکی از جشن‌هایی است که در گذر زمان و در ارتباط انسان ایرانی با محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و دینی به وجود آمده و در طول سالیان سال، تکرار یا انجام فعالیت‌های انسان ایرانی مسلمان را هم نظم بخشیده و هدایت کرده است. این جشن، از جمله بزرگترین شادی‌های ملی ایرانیان مسلمان است که آن را نوروز نامیده‌اند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که نوروز تجلی گاه کارکردهای یکسانی است که در منش‌های گوناگون قومی اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و سنی متبلور می‌شود و موجب همبستگی اجتماعی و انسجام دینی و ملی می‌شود.

معنی نوروز

در لغت نامه‌ها برای نوروز معانی گوناگونی ذکر شده است، به عنوان مثال مرحوم دهخدا می‌نویسد: "نوروز به معنی روزن است و آن دو باشد یکی نوروز عامه، یکی نوروز خاصه و نوروز عامه روز اول فروردین ماه است که آمدن آفتاب به نقطه اول حمل باشد و رسیدن او به آن نقطه اول بهار است. گویند خداوند تعالی در این روز عالم را آفرید و هر هفت کوكب در اوج تدویر بودند و اوجات همه در نقطه اول حمل بود، در این روز حکم شد که به سیر و دور در آیند و آدم (ع) را نیز در این روز خلق کرد. بنابراین این روز را نوروز گویند." (لغت‌نامه دهخدا، ذیل ماده نوروز) ملاحظه می‌شود نوروز در رخداد یکسری وقایع تفسیر می‌شده و در آن دستورالعمل‌هایی برای انجام برخی از امور صادر می‌گردید. همچنین هنگام تعبیر و تفسیر نوروز به مقدس ساختن آن سعی بسیار شده است. نیز در معنای اصطلاحی و لغوی نوروز نویسندگان متعدد سخن گفته‌اند. و تقریباً گفته‌های یکدیگر را تایید کرده‌اند. "نوروز واژه‌ای است مرکب از دو جزء که روی هم به معنای روز نوین است و بر نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی، آن گاه که آفتاب به برج حمل انتقال یابد، گذارده شود و به اصطلاح به جشن سر سال پارسی - ایرانی که در روز نخست فروردین ماه برابر با ۲۱ مارس مسیحی - آغاز فصل بهار - برگزار می‌شود، گفته می‌آید." همچنین از دید لغوی: "اصل پهلوی این واژه نوک روچ یا نوک روز بوده است." (اذکایی، ۱۳۵۳: ۲۷۵)^۱

درباره نوروز و سوابق تاریخی آن مباحث بسیاری مطرح است که به دلیل محدودیت این نوشتار، از طرح آنها صرف نظر می‌شود و تنها به ذکر این نکته‌ها که چرا نوروز جشن گرفته می‌شود، اکتفا می‌کنیم، همانطور که گفته شد جشن نوروز به دلایل ملی و دینی بزرگ داشته می‌شود و شاید دلیل بقای این جشن نیز همین باشد. در بین ایرانیان جشن‌هایی چون مهرگان و سده و جشن‌های دیگری که در ماه‌های خاص برگزار می‌شود، وجود داشت اما هیچ کدام ایستادگی و بقای جشن نوروز را با این

۱. همچنین ر.ک: هاشم رضی، گاه شماری و جشن‌های ایران باستان، ص ۲۷۵

حجم و جدیت در فرهنگ ما نیافت. از جمله دلایلی که موجب جشن گرفتن ایام نوروز شده و به بقای آن کمک بسیار کرده است موارد زیر قابل توجه است:

"۱- به نظر عده‌ای در این روز جمشید بر تخت خود سوار شد که جن و شیاطین آن را حمل کردند و در طول یک روز از دماوند به بابل رفت و مردم از این بابت تعجب کرده این روز را جشن گرفته اند.

۲- جمشید در این روز نیشکر را پیدا کرد و دستور داد همه از شهد آن بخورند.

۳- عده‌ای نوروز را جشن احیای دین می‌دانند.

۴- عده‌ای نوروز را به سلیمان پیامبر نسبت داده و گفته‌اند انگشتی پادشاهی ربوده شده سلیمان در این روز پیدا شد و همه این روز را نوروز نامیدند.

۵- به نظر پیروان دین زرتشت در این روز زرتشت برای پیامبری برگزیده شده است.

۶- به نظر شیعیان نوروز روزی است که حضرت علی (ع) به جانشینی حضرت محمد (ص) برگزیده شد و بر مسند امامت نشست. به عبارتی دیگر اولین روز امامت حضرت علی (ع) برابر با روز اول فروردین بوده است. (هنری، ۱۳۵۳: ۷۵)

ملاحظه می‌شود دلایلی برای محترم بودن نوروز مطرح است و چنین دلایلی موجب شده است که آداب و رسوم این جشن ملی سالیان سال در میان ایرانیان با شور و حال ویژه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

اینک به چگونگی آداب و رسوم این جشن ملی در شهر همدان پرداخته، مراحل مختلف آن را توصیف می‌کنیم. هر چند مراحل اجرای این جشن در نقاط مختلف کشور از شباهت‌های بسیاری برخوردار است اما ویژگیهای منطقه‌ای نیز بر چگونگی اجرای آن تأثیر دارد. آنچه مهم است ادغام این شباهت‌ها و تفاوت‌های نسبی، انسجام و همبستگی ملی و دینی را موجب گردیده است.

مراسم نوروز در همدان

الف: مراسم قبل نوروز

۱- **خانه تکانی:** از جمله اولین مراحل است که مردم با آغاز آن به استقبال نوروز می‌رفته‌اند و امروز نیز این رسم همچنان پا برجاست. زمان آغاز فعالیت خانه تکانی معمولاً اوایل اسفند ماه است و در این روزها اسباب و اثاثیه منزل گردگیری و تمیز می‌شود. گاهی نیز وسایل کم بها تعویض شده و به جای آن وسایل نو خریداری و به کار گرفته می‌شود. از جمله رسم‌های خانه تکانی شکستن کوزه آب است که به رسم کوزه اشکستن (کوزه شکستن) معروف است. در گذشته معمولاً خانم خانه با پرداخت هزینه‌ای اندک به مسگرها ظروف سیاه شده مسی را سفید می‌کرد. اثاثیه غیر قابل استفاده اعم از لباس و پوشاک و سایر وسایل کهنه و بدرد نخور را از منزل بیرون می‌بردند. دو فعالیت عمده خانه تکانی، «فرش تکانی» و «کاتنه‌گیری» بود. تمیز کردن یا تکان دادن فرشها، قالی‌ها، و قالیچه‌ها عمدتاً بوسیله مردان و بیرون از خانه انجام می‌شد. البته اگر کسانی حیاط بزرگ داشتند، این کار را در حیاط انجام می‌دادند. تکاندن فرش‌ها با چوب انجام می‌گرفت.

فعالیت عمده دیگر دوده‌گیری و کاتنه‌گیری بود. برای انجام این کار از چوب باریک و بلندی به نام «داریکه» استفاده می‌کردند که انتهای آن پارچه‌ای به نام «کهنه» (در گویش همدانی کُنه) می‌بستند و به وسیله آن گوشه‌های دیوار و سقف را تمیز می‌کردند. جارو کردن اتاق‌ها و راهروها و حیاط به وسیله «جارو کُله» انجام می‌گرفت. جارو کله در واقع همان جارو کهنه بود که در پایان سال و در چهارشنبه‌سوری آتش زده می‌شد.

به هنگام نظافت و دوده‌گیری سقف‌ها و دیوارها برخی خانم‌ها به کمک یکدیگر می‌آمدند و یک صدا به آهستگی می‌خواندند: «کُنه‌ها میره تمیزی میا، دوده‌ها میره سفیدی میا». برای رفع سیاهی دیوارها که ناشی از دود تولید شده در ایام زمستان بود با گچ یا سایر مواد سفید رنگ نسبت به تمیز کردن و در واقع رنگ کردن دیوارها اقدام می‌کردند. پس از تمیز کردن فضای داخل منزل نوبت فضای بیرونی می‌شد و رستنی‌های احتمالی پشت بام یا حیاط را که جغجغه نامیده می‌شد، جمع‌آوری کرده، آنها را آتش می‌زدند. تمیز کردن خانه، وسایل، پنجره‌ها، پشت درها، شیشه‌ها و... فعالیتی گروهی و مشارکتی بود و معمولاً تمام افراد خانواده اعم از فرزندان و پدر

خانواده در این کار به مادر یاری می‌رسانند. خانه تکانی با مدیریت مادر خانواده و در محدوده زمانی ویژه ای انجام می‌شد که شب چهارشنبه سوری به پایان می‌رسید.

۲- خرید لباس (خرید لباس): نوروز، روز نو است و از جمله چیزهایی که به مناسبت آن عوض می‌شود، لباس افراد است، هر چند کم و کیف این تعویض به پایگاه اجتماعی و طبقاتی مردم بستگی دارد. در ماه آخر سال یعنی اسفند ماه کار لباس فروشان و خیاطان و دیگر اصناف مربوط بسیار رونق می‌گیرد. معمولاً مادر خانواده در این خصوص زحمات بسیاری را متحمل می‌شود، زیرا می‌باید انتظارات فرزندان خود را مرتفع سازد. "هرچند خرید لباس تازه به شکل امروز مرسوم نبوده است. در گذشته تنها برای فرزند بزرگتر لباس یا کفش خریداری می‌شد و بچه‌های دیگر از لباس خواهران یا برادران بزرگتر خود استفاده می‌کردند. به هر تقدیر چه با خرید لباس و کفش نو و چه با تعمیر لباس‌ها و یا پوشش‌های سال گذشته، همه چیز رنگ تازه ای به خود می‌گرفت، نعل و نیم تخت‌زدن به کفش‌ها به خصوص برای مردان و پسران از رسوم شب عید به حساب می‌آمد و حدوداً از اواسط اسفند ماه بازار نعل و نیم تخت‌زدن به کفشها در کفش دوزخانه رونق بسیاری می‌یافت." (همان: ۵۳)

۳- سبزه ریختن (سبزه ریختن): "سبزه مهمترین مظهر محیطی نوروز است، آن گاه که بر سر سفره‌های هفت سین می‌نشینیم باید که پیش چشم باشد." (همان: ۵۱)

رسم سبزه ریختن از دوران گذشته به صورت جدی رواج داشت و دانه‌های مختلف مثل گندم، ارزن، کنجد و.... را سبزه می‌کردند و معتقد بودند که هر کدام که بهتر رشد نماید، در سال آینده آن محصول بیشتر خواهد بود. (همان و صفا، ۱۳۵۰: ۸۸) این رسم بعد از دوران کهن نیز رواج داشته است. خانم‌های همدانی از حدود ۵ اسفند به خرید گندم، شاه دانه، ارزن و.... می‌پرداختند. باور مردم بر این بود که گندم و سایر دانه‌های مخصوص سبزه نوروز را باید از فروشندگان مؤمن خریداری کنند. به قولی دیگر اگر فروشنده‌ای مغازه رو به قبله داشت، بیشتر از او خرید می‌شد. بر اساس این باور سبزه‌هایی که بعداً از این دانه‌ها به عمل می‌آمد، خیر و برکت صاحب سبزه (خانواده) را تا پایان سال ضمانت می‌کرد. "گاهی حساسیت نسبت به فروشنده غلات و حبوبات چنان بود که حتی از ریش سفیدان و معتمدان برای تهیه غلات مخصوص سبزه سؤال می‌شد

و آنها فروشنده مؤمن را معرفی می‌کردند. در برخی موارد سبزه‌ها و یا ظرف در بر گیرنده آنها به وسیله پارچه رنگین تزیین می‌شد. وسط سبزه، برای قرار دادن گلاب پاش معمولاً خالی می‌ماند.

۴- نمایش‌ها یا بازی‌های شادی‌آفرین:

الف: نمایش یا بازی کوسه گلین: این نمایش از حدود ۲۰" روز به عید توسط گروه‌های ویژه‌ای که بیشتر از روستاهای اطراف می‌آمدند در کوچه‌ها به اجرا در می‌آمد" (رضی، ۱۳۸۰: ۲۴۰ و انجوی ۱۳۷۹: ۱۷۰) و به همراه او گروهی چهار - پنج نفره به همراه آن به راه می‌افتاد. فردی که پوستینی (معمولاً پشت و رو) بر تن داشت و صورت خود را بزرگ کرده بود با صدای بلند همراه ساز و دهل مردم را به شادی دعوت می‌کرد و بدین وسیله آمدن نوروز را خبر می‌داد، مردم هم بابت خبرهای خوش متناسب با میزان توانایی خود به آنها کمک می‌کردند. کمک‌های آنها شامل نان، شیرینی و گندم خرد شده به نام پتله و بلغور بود.

ب: درویش مرتضی علی: درویش‌های مرتضی علی از جمله کسانی بودند که با نزدیکی سال نو به راه می‌افتادند و با خواندن اشعاری در مدح حضرت علی(ع) به نوعی مردم را به سوی خود می‌کشاندند و درآمدی هم از این بابت کسب می‌کردند.

پ: قوت خدر نبی (غذای خضر نبی): از اواسط اسفند ماه هر سال، افرادی که روی سر خود ظرفی پر از نوعی غذا داشتند در کوچه‌ها به راه می‌افتادند و فریاد می‌زدند «عید آمده خدر نبی یادت نره» قوت خدر نبی به معنای غذای حضرت خضر نبی (ع) است که در اصطلاح محلی چنین ادا می‌شود. این ماده غذایی از ترکیب نان خشک، گردو و پنیر و شیر تهیه می‌شد و به فروش می‌رسید. کسانی که این قوت را می‌خریدند، اعتقاد داشتند حضرت خضر پیامبر بر آن نظر دارد.

۵- چارشمه کله (چهارشنبه سوری): دو سه روز مانده به شب چهارشنبه آخر سال مردم شهر به اطراف شهر می‌رفتند و گیاهان خشک صحرائی را به نام ورک جمع می‌کردند و به منازل می‌آوردند. جاروهای کهنه را نیز گرد می‌آوردند. لازم به توضیح است که نظافت منزل و تهیه ملزومات شب عید باید قبل از چهارشنبه سوری انجام می‌گرفت در غیر این صورت عقیده داشتند که شگون نخواهد داشت. (همان و

روح‌الامینی، ۱۳۷۸: ۴۸)

شب چهارشنبه آخر سال همه اهل منزل و نزدیکان در درون حیاط جمع می‌شدند و جاروهای کهنه را آتش می‌زدند و از روی آن یک به یک می‌پريدند. در مورد آتش زدن وِرکها و جارو کهنه‌ها مردم بر این عقیده بودند که تمام کهنه‌ها و پلیدی‌ها در آتش سوخته و از بین می‌روند. به غیر از وِرک و جارو کله از تَرَفَه کوزه جندی (جنی)، پيله مهتابی و دیگر وسایل آتش را استفاده می‌کردند. اما به اندازه جارو کله و وِرک عمومیت نداشت. از جمله نغمه‌هایی که مردم حین پريدن از روی آتش در این روز می‌خوانند که البته در بین اقوام دیگر نیز با تفاوت گویشی مشاهده می‌گردد می‌توان به این نمونه اشاره کرد:

زردی م آ تو سُرخی تو آم

۱-۵- **انتر رقصانی**: انتر رقصانی هم یکی از بساطی بود که در این ایام رونق می‌گرفت و با فرمان دادن معرکه گیر به انتر و انجام اعمال توسط حیوان موجبات شادی تماشاچیان می‌شد.

۲-۵- **شال اندازی (شال اندازی)**: در شب چهارشنبه سوری نوجوانان از پشت بام‌ها به راه می‌افتادند و با آویزان کردن شال بلندی از سقف خانه می‌گفتند «تُخ، تُخ» یعنی تخم مرغ و بدین وسیله تخم مرغ جمع آوری می‌کردند.

۳-۵- **قاشق‌زنی (قاشق‌زنی)**: در شب چهارشنبه سوری قاشق زن با قاشق به کاسه اش می‌زد و می‌گفت آتیش افروز سالی بی روز. سپس به درخانه مردم می‌رفت آن گاه صاحب خانه از پشت در جواب می‌داد چه می‌خواهی؟ قاشق زن می‌گفت پول می‌دهی، بلغور می‌دهی... معمولاً هر چه از سال قبل ته کوزه مانده بود، به قاشق زن داده می‌شد.

۶- **علی صلواتی (علی صلواتی)**: به کسی مربوط می‌شد که از ۵ تا ۶ روز مانده به سال نو و حتی در ایام عید یا سیزده نوروز، قبل از طلوع آفتاب به راه می‌افتاد و با آوایی آهنگین چنین سر می‌داد:

ای دل دمی بیدار شو گر مستی (مستی)، هوشیار شو گر خوابی، بیدار شو

و بدین ترتیب مردم را برای خواندن نماز صبح از خواب بیدار می‌کرد.

ملاحظه می‌شود که نوروز ایام شادی است، ایام تازه شدن است و در این ایام مردم

در عرصه‌های مختلف، زندگی خود را به پیش می‌برند؛ از نظر اقتصادی به حساب و کتاب خود می‌رسند، نظافت و پاکیزگی پیشه می‌کنند و در همه امور توجه به دین و ظرافت‌های دینی از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردار است.

در بین ایرانیان جشن‌هایی مانند مهرگان و جشن سده و جشن‌های دیگر که در ماه‌های خاصی برگزار می‌شود، وجود داشت اما هیچ کدام ایستادگی و بقای جشن نوروز را با این حجم و جدیت در فرهنگ ما نیافت.

همانطور که گفته شد، تداخل آداب و رسوم نوروز کمک کرده و مراسم نوروز را از دیگر جشن‌های ایران باستان به کلی جدا ساخته است.

۷- درخت کاری: از اواسط اسفند، مردم به درختکاری می‌پرداختند. از دره مراد بیگ نهال‌های مختلفی در محلی به نام میدان یهودی‌ها (سِرِ گُذَر) آورده می‌شد و به فروش می‌رسید، افراد زیادی این سنت را به جا می‌آوردند. در نوروز امید و روحیه به آبادانی و داشتن سالی پر بار و پرمحصول همیشه مد نظر بوده است و مراسم سبزه ریختن علاوه بر چشم نواز بودن و حس زیبایی شناختی، بدست آوردن تصویری است امید بخش از چگونگی آبادانی در سال آتی. (همچنین ر.ک: جاحظ، ۱۳۸۴: ۷۸)

۸- شب جمعه آخر سال: در آغاز سال جدید همیشه مردگان نیز مورد توجه و نظر بودند ایرانیان باستان معتقد بودند که مردگان در ایام نوروز به خانه‌های خود بر می‌گردند. لذا خانه تکانی، سبزه ریختن و مهیا ساختن خانه به نوعی استقبال از متوفی یا بزرگ خانواده نیز محسوب می‌شد. این رسم در دوره‌های اسلامی در آخرین پنجشنبه سال عینیت یافت و مردم با رفتن به گورستان‌ها و دادن خیرات و فاتحه و دعای خیر آن را به جا می‌آوردند.

۹- استحمام و نظافت شخصی: نظافت شخصی پس از نظافت و پاکیزه کردن منزل انجام می‌شد و حمام‌ها که در نوبت زنانه و مردانه باز بود، در روزهای پایان اسفند پروتق و شلوغ می‌شد. نرخ حمامی‌ها به علت فرا رسیدن نوروز اندکی تغییر می‌یافت. سلمانی‌ها نیز در حمام‌ها بودند به ویژه در حمام‌های مردانه که به پیرایش موی مردان می‌پرداختند. هر چند سلمانی‌های کنار خیابانی یا مغازه دار نیز انجام وظیفه می‌کردند.

معمولاً عزاداران در این زمان توسط اطرافیان از عزا در می‌آمدند. بدین طریق که آشنایان سلمانی را به منزل عزادار می‌بردند و در منزل، او را پیرایش می‌کردند و پس از استحمام، لباس یا پیراهن جدید (غیر مشکی) را به جای پیراهن سیاه بر تن او می‌کردند. زن‌ها نیز با آوردن آرایشگران و بنداندازان خانگی به این امر اقدام می‌کردند.

ب- مراسم و آداب آغاز سال جدید

هر چه اسفند ماه به پایان خود نزدیک می‌شود شور حال بیشتری در بین مردم به چشم می‌خورد و مراحل و مراسم زیر اندکی قبل یا پس از تحویل سال برگزار می‌شود.

۱- **سفره هفت‌سین:** انداختن سفره هفت‌سین هنوز هم رواج دارد. سفره هفت‌سین را رو به قبله می‌اندازند و در آن سبزه و سایر اقلام که نامشان با سین شروع می‌شود. می‌گذارند. قرآن و شمع و آینه نیز در این سفره گذاشته می‌شود افراد خانواده دور سفره جمع می‌شوند و به دعا و نیایش و شادی می‌پردازند. از اقلام هفت‌سین سمنو چون از گندم است سمبل برکت است، سیر به این معناست که همیشه سیر باشند (باور عامیانه) سبزه و آب نشانه روشنایی و خرمی، سیب نشانه سلامت و شادی، شیرینی، ماهی قرمز و تخم مرغ‌های رنگی نیز از دیگر اقلام تشکیل دهنده سفره هفت‌سین است. (همچنین ر.ک: صفا، ۱۳۵۰: ۹۹)

۲- **تحویل سال:** به هنگام تحویل سال همه اعضای خانواده دور سفره می‌نشینند و بزرگ خانواده آیاتی از قرآن کریم و دعای تحویل سال می‌خواند. مردم معتقدند هر کس به هنگام تحویل سال در هر حالتی باشد، تا آخر سال همان حالت برایش پیش خواهد آمد. مثلاً اگر به هنگام تحویل سال در مسافرت باشد، تا آخر سال مرتباً در سفر خواهد بود. این گونه باورهای عامیانه در بین مردم شایع بود. در گذشته هنگامی که سال تحویل می‌شد، در تپه مصلی تویی شلیک می‌شد و بدین نحو همه از تحویل سال با خبر می‌شدند. در لحظات تحویل سال بعضی‌ها دست خود را در تنگ ماهی می‌کنند و ماهی را در دست خود می‌گیرند و هنگامی که توپ تحویل سال شلیک شد در حالی که دعای تحویل سال را می‌خوانند، ماهی را آزاد می‌کنند و آرزوی قلبی خود را از خدا می‌خواهند. سپس بزرگ خانواده به سایر اعضا عیدی می‌دهد. عیدی معمولاً مبلغی پول

نو است که از قبل برای تبرک لای قرآن می گذارند.

۳- خوراکی ها و غذای شب عید: در گذشته غذای مردم بیشتر آش و آبگوشت بود و برنج کمتر مصرف می شد و تعداد دفعات مصرف برنج در سال خیلی کم بود. یکی از آن دفعات نوروز بود. البته عید فطر، ایام ذی حجه و نیمه شعبان نیز از جمله آن مواقع بود. رشته پلو با قورمه سبزی، پلو با ماهی دودی، از جمله غذاهای شب یا روز عید بود. ماهی دودی قیمتی نسبتاً ارزان داشت و پیش از نوروز تهیه و در جای خنکی برای روز عید نگه داری می شد. به غیر از غذا خوراکی های دیگری مثل آجیل و شیرینی نیز صرف می شد. مویز، گردو، نخود بو داده، سنجد، انجیر، بادام و پسته و نقل و آب نبات، بید مشک، اقلام آجیل شب عید و ایام عید بود.

شیرینی ها در انواع مختلف بوسیله خود مردم پخته می شد و کمتر از بیرون خریداری می گردید. در ایام نوروز کمتر از میوه استفاده می شد. معمولاً بعد از پایان فصل تابستان آب انگور عسگری را می گرفتند و در آن آرد گندم ریخته، در دیگ گلی زیر برف پنهان می کردند. آرد گندم کم کم شیره انگور را به خود می گرفت و شیرین می شد. بعد به هنگام فصل بهار دیگ را از زیر برف بیرون می آوردند و شیرینی را برش می دادند و برای پذیرایی میهمانان در ظرفی می چیدند. همچنین از قند و شکر میوه های قندی، به شکل سیب و پرتقال درست می کردند.

۴- دید و بازدید: بعد از سال تحویل دید و بازدید با دیدار کوچکترها از بزرگترها شروع می شد. معمولاً در خانه ها دور تا دور اتاق پتو پهن می کردند و کاسه های انار دان شده یا شیر شیره را دور تا دور اتاق می چیدند. میوه های قندی در وسط اتاق چیده می شد و با شیرینی و آجیل از میهمانان پذیرایی می شد.

به هنگام ورود مهمان به وسیله گلاب پاش، گلاب را بدست میهمانها ریخته، می گفتند: صد سال به این سالها. اگر مهمان صبح می آمد با شیر و شیر مال پذیرایی می کردند. روز اول عید، بزرگ فامیل با تدارک غذای فراوان منتظر می شد تا دیگران به دیدن او بیایند. بعد به بچه ها عیدی می دادند. سکه های ده شاهی و یک ریالی و غیره و تخم مرغ های رنگ شده از جمله آنها بود. همچنین به نوعروسان و نودامادان هدایایی به عنوان عیدی داده می شد. دید و بازدید عید حتی تا یک ماه نیز ممکن بود ادامه یابد.

بعضی‌ها در این روز ناخن‌هایشان را می‌گرفتند و پشت در می‌گذاشتند تا باد آنها را با خود ببرد و پلیدی و غم از خانه دور شود و بعد این شعر را می‌خواندند:

غم برو، شادی بیا
محنت برو، روزی بیا

۵- سینه به در (سیزده به در): مراسم سیزده به در در بین تمامی ایرانیان مشترک است و اصل بر این است که در این روز همه مردم از خانه بیرون بروند و سر به دامان کوه و دشت بگذارند. (هنری، ۱۳۵۳: ۷۶) در این روز غذای خاصی مصرف می‌شود و مردم اعمال خاصی به جا می‌آورند. چند روز قبل از سیزده به در کوزه‌ای آماده می‌شد و هریک از افراد خانواده متناسب با آرزویی که داشتند، نیت می‌کردند و مهره‌های متفاوتی را در کوزه می‌ریختند. بعد این کوزه را در حیاط به دیوار آویزان می‌کردند تا روز سیزده به در. در آن روز دختری را می‌آوردند و این دختر کوزه را در زیر چادرش پنهان می‌کرد و بعد شعری را از حافظ می‌خواند و مهره‌ای را بیرون می‌آورد. صاحب مهره می‌گفت که مهره مال من است و شعری هم که خوانده شد براساس نیت او تفسیر می‌شد. همین‌طور این عمل که نوعی فال‌گیری بود ادامه می‌یافت.

هنگامی که از خانه بیرون می‌رفتند، هفت‌سنگ از پشت سر به بیابان پرتاب می‌کردند و با انداختن هر سنگ سلامت و شادمانی و موفقیت برای خود و خانواده آرزو می‌کردند. شادی و خنده و سرور در این روز بسیار بود. مادران برای بخت‌گشایی فرزندان خود اقدام به گره زدن سبزه‌ها می‌کردند. بعضی از این اعمال هنوز هم رواج دارد.

غذای این روز معمولاً کوفته است. آجیل و سایر خوراکی‌های باقی مانده از ایام نوروز نیز مکمل خوراکی‌های این روز است. عاقبت در آخرین ساعات روز سیزده سبزه‌هایی را که برای نوروز ریخته بودند، در رودخانه یا آب جاری می‌انداختند تا به قولی درد و بلا را با خود ببرد.

نتیجه‌گیری

نوروز به عنوان یک جشن ملی- مذهبی دارای ساخت بوده و این ساخت دارای عناصری است. در نوروز مدل همدانی با عناصری آشنا شدیم که دارای کارکردهایی در

زندگی روزمره این مردمان می‌باشد.

اعتقادهای مقدس دینی درباره پیدایش این رسم مهم و بزرگ از جمله عناصر ساختی است که در این منطقه مورد توجه قرار گرفته است. شادی و خنده نیز از جمله کارکردهای دیگر آن است که در اجرای این آداب و رسوم نهفته است. این جشن آغاز سلطه کنشگران حوزه فرهنگ بر تیرگی‌ها و تباهی‌ها است. در اجرای این جشن آنچه بیشتر از هر چیز دیگر بر مردم مستولی می‌گردد امید به زندگی است. تبریک گفتن عید، دید و بازدیدها و رفت و آمدها همه عناصری از مجموعه جشن نوروز است که در همدان نیز اجرا می‌گردد. این شباهت‌ها در قومیت‌های گوناگون ایرانی نه حاکی از یکسانی ساده می‌باشد بلکه بیانگر نوعی همبستگی و انسجام اجتماعی است که بروز آن به قوام و دوام جامعه کلان ملی - دینی منجر می‌شود.^۱



۱. از خانواده‌های محترم عظیمی، موسوی، حیدریان، رحمتیان، احمدی، اقبالیان، ابراهیمی، احمدوند، هاشمی، مرادی، کمالی، مرادی، منیری، زمرزاده و سایر خانواده‌های محترمی که در گردآوری اطلاعات لازم به پژوهشگر یاری رساندند، سپاسگزاری می‌شود.

فهرست منابع

- ۱- اذکایی، پرویز (۱۳۵۳) نوروز تاریخچه و مرجع شناسی، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.
- ۲- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۹) جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳) آثار الباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۴- جاحظ، ابوعثمان (۱۳۸۴) جشن‌ها و آیین‌های ایرانی، ترجمه و تألیف دکتر محمودرضا افتخارزاده تهران: مؤسسه انتشارات مدبر.
- ۵- دهخدا، علی اکبر (بی‌تا) لغت‌نامه، ذیل ماده نوروز، چاپ مجلس.
- ۶- رضی، هاشم (۱۳۸۰) گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران: انتشارات بهجت.
- ۷- روح الامینی، محمود (۱۳۷۸) آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران: نشر آگاه.
- ۸- شعبانی، رضا (۱۳۷۸) آداب و رسوم نوروز، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی-بین‌المللی.
- ۹- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۰) گاه‌شماری و جشن‌های ملی ایرانیان، بی‌جا.
- ۱۰- قربانی، زین العابدین (۱۳۵۴) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۱- مسعودی، ابوالحسن علی ابن الحسین (۱۳۶۱) التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- ۱۲- هنری، مرتضی (۱۳۵۳) آیین‌های نوروزی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ۱۳- میرنیا، سید علی (۱۳۶۹) فرهنگ مردم، تهران: نشر پارسا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی